



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مصطفی

در روایات و اخبار



مرتضی عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصحف در روایات و اخبار

نویسنده:

مرتضی عسگری

ناشر چاپی:

المجمع العلمی الاسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مصحف در روایات و اخبار
۶	مشخصات کتاب
۶	معنای مصحف در لغت عرب
۷	مصحف در اصطلاح صحابه
۷	مصحف در روایات امامان اهل بیت (ع)
۸	مصحف در اخبار مکتب خلفا
۸	شهرت واژه مصحف در نوشته های جلد شده
۸	مصحف در اصطلاح امتهای گذشته و نامگذاری کتب دینی سابق به مصحف
۹	مصحف فاطمه (س) دخت رسول خدا
۹	مصاحف صحابه
۹	اشاره
۱۰	نمونه هایی از مصاحف صحابه
۱۰	مصحف ام المؤمنین عایشه
۱۰	مصحف ام المؤمنین حفصه
۱۰	سیاست جداسازی قرآن از حدیث رسول خدا
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مصنف در روایات و اخبار

مشخصات کتاب

سرشناسه: عسگری مرتضی - ۱۲۹۳
 عنوان و نام پدیدآور: مصنف در روایات و اخبار/ مرتضی عسگری مترجم محمدجواد کرمی
 مشخصات نشر: [تهران: مجمع علمی اسلامی ۱۳۷۷].
 مشخصات ظاهری: ۲۸ ص ۵/۱۱X۱۶س م
 فروست: (برگستره کتاب و سنت ۷)
 شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۵۱-۸۱۰۰۰ریال؛ ۹۶۴-۵۸۴۱-۵۱-۸۱۰۰۰ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی
 یادداشت: عنوان اصلی المصحف فی الروایات و الآثار.
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
 موضوع: قرآن — جمع و گردآوری
 موضوع: قرآن — تاریخ
 موضوع: مصحف عثمانی
 موضوع: مصحف علی ع
 شناسه افزوده: کرمی محمدجواد، مترجم
 شناسه افزوده: مجمع علمی اسلامی
 رده بندی کنگره: ۴/۷۲BP/ع۵م ۶۰۴۱ ۱۳۷۷
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۴۲۴

معنای مصحف در لغت عرب

در زبان عرب، به چیزی که در آن می نویسند «صحیفه و جمع آن را، صحائف، صُحُف و صُحُف گویند. و «مُصْحَف» و «مِصْحَف» را، «الجامع بین الدَّفْتین» [۱] «یعنی مجموعه میان دو جلد، نامند.
 در تفسیر «دَفْتین» گفته اند: الدَّفَّة: جنب و پهلو و صفحه هر چیز است. پوست کشیده شده بر دو روی طبل را که بر آن می کوبند نیز، «دَفْتَا الطَّبَل» یعنی جلدهای دو طرف طبل نامیده اند.
 و از این رو، جلد اول و آخر کتاب را نیز «دَفْتَا الْمُصْحَف» یعنی دو جلد در بردارنده «صفحات» کتاب می نامند، و هرگاه می گویند: «حُفِظَ مَا بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ» [۲] مقصودشان این است که، کتاب در میان دو جلد آن محفوظ است.
 بنابراین، «مُصْحَف» نام کتاب جلد شده است. زیرا، اگر «صحیفه» همان است که در آن می نویسند و جمع آن صُحُف، «مُصْحَف» نیز، جامع و دربردارنده «صُحُف»ی است که میان دو جلد است. پس، «مُصْحَف» در کلام عرب به معنای «کتاب جلد شده» در زبان فارسی است، چه قرآن باشد و چه غیر قرآن.

مصنف در اصطلاح صحابه

واژه «مُصْحَف» در روایات «جمع قرآن» تا زمان عثمان، به همان معنای لغوی به کار رفته است.

بخاری از صحابی «زید بن ثابت» روایتی دارد که فشرده آن چنین است: زید گوید: «خلیفه ابوبکر به او دستور داد تا قرآن را جمع کند. گوید: همه قرآن را گرد آوردم. صفحات گرد آمده نزد ابوبکر بود تا از دنیا رفت. سپس در حیات عمر نزد او، و پس از وی نزد حفصه دختر عمر باقی بود.»

بخاری بعد از آن از انس روایتی آورده که فشرده اش چنین است: «هنگامی که عثمان تصمیم به جمع قرآن گرفت او را نزد حفصه فرستاد که «صُحُف» و نوشته‌ها را نزد ما بفرست تا «مصاحف» را از روی آنها نسخه برداری کنیم و سپس به تو بازگردانیم... تا آخر خیر. [۳].

بدیهی است که واژه «صُحُف» و «مصاحف» در این دو روایت، به همان معنای لغوی یعنی: نوشته‌ها و کتابهای جلد شده، آمده است.

صریح تر از آنچه در روایت بخاری آمده، روایاتی است که ابو داود سجستانی [سیستانی] در باب: «جمع قرآن در مصیحف» در کتابش به نام «المصاحف» به گونه زیر آورده است:

الف - از محمد بن سیرین روایت کند که گفت:

هنگامی که رسول خدا (ص) رحلت فرمود، علی (ع) سوگند خورد که جز برای نماز جمعه ردا بر دوش نگیرد تا قرآن را در «مُصْحَف» جمع کند.

ب - از ابی العالیه روایت کند که:

آنان قرآن را در زمان خلافت ابی بکر در یک «مُصْحَف» جمع کردند.

ج - از حسین روایت کند که:

عمر بن خطاب دستور جمع قرآن را داد، و او اولین کسی بود که قرآن را در «مُصْحَف» جمع کرد [۴].

استشهاد ما به این روایات سه گانه از آن رواست که:

در زمان روایت آنها معنای «مُصْحَف» اعم از قرآن بوده است، و چنانکه گذشت، در آنها به ترتیب آمده بود:

الف - تا قرآن را در «مُصْحَف» جمع کند.

ب - قرآن را در «مُصْحَف» جمع کردند.

ج - دستور جمع قرآن را داد، و او اولین کسی بود که قرآن را در «مُصْحَف» جمع کرد.

حال، اگر «مُصْحَف» در نزد آنان همان قرآن بود معنای روایات بدین گونه می شد:

الف - تا قرآن را در قرآن جمع کند.

ب - قرآن را در قرآن جمع کردند.

ج - او اولین کسی بود که قرآن را در قرآن جمع کرد.

مصنف در روایات امامان اهل بیت (ع)

«مصحف» در روایات امامان اهل بیت (ع) نیز، به همان معنای لغوی مکتب خلفاست. کلینی در کافی باب: «قراءه القرآن فی

المصحف» روایت کند که:

۱. امام صادق(ع) فرمود:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مَتَّعَ بَصَرَهُ، وَخَفَّفَ عَنِ الْوَالِدِيَّةِ، وَإِنْ كَانَ كَافِرًا يُرَى.

هر کس قرآن را در «مُصْحَف» تلاوت کند، دیدگانش را بهره مند و پدر و مادرش را - اگرچه کافر باشند - سبک بار گرداند.
۲. و نیز، فرموده:

قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ، وَلَوْ كَانَ كَافِرَيْنِ.

تلاوت قرآن در مصحف، عذاب پدر و مادر را - اگرچه کافر باشند - کاهش می دهد. [۵].

پس، با توجه به آنچه آوردیم، «مُصْحَف» در کلام صحابه و تابعین و راویان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) به معنای: «کتاب جلد شده» به کار رفته است. یعنی: «مُصْحَف» در گفتگوها و محاورات صدر اسلام در همان معنای لغوی استعمال شده، و پس از آن، در دوره های بعد، قرآنِ مدوّنِ جلد شده به «مُصْحَف» شهرت یافته است.

مصنف در اخبار مکتب خلفا

در مکتب خلفا کتابهای دیگری جز قرآن را نیز، «مصحف» نامیده اند که از جمله آنهاست:

مصحف خالد بن معدان

ابن ابی داود [متوفای، ۳۱۶ هجری]، ابن عساکر [متوفای، ۵۷۱ هجری]، مزّی [متوفای، ۷۲۴] و ابن حجر [متوفای، ۸۵۲] در شرح حال خالد بن معدان گویند:

علم خالد بن معدان در «مُصْحَف» وی بود که تُکمه و جای تُکمه داشت [۶].

معرفی خالد بن معدان

خالد بن معدان از بزرگان علمای شام و از تابعین در اسلام بود که هفتاد نفر از صحابه را درک کرده است.

ابن اثیر [متوفای، ۶۳۰ هجری] در ماده «الکلاعی» شرح حال او را آورده و گوید [۷]: خالد در سال ۱۰۳ یا ۱۰۴ یا ۱۰۸ هجری از دنیا رفته است.

شهرت واژه مصحف در نوشته های جلد شده

استعمال واژه «مصحف» در آنچه نوشته و جلد شده، یعنی کتاب مجلد، در نزد علما و پژوهشگران مکتب خلفا، مشهور و متداول بوده که دو نمونه آن را می آوریم:

الف) ابن ابی داود سجستانی از بزرگان قرن سوم هجری در کتاب خود المصاحف - چنانچه گذشت - عنوان داشته که:

۱. ابوبکر صدیق(رض) پس از رسول خدا(ص)، قرآن را در «مصاحف» گرد آورد.

۲. علی بن ابی طالب(رض) قرآن را در مصحف جمع کرد.

۳. عمر بن خطاب(رض) قرآن را در مصحف گرد آورد.

ب) از علمای معاصر نیز، ناصرالدین الأسد در کتاب خود مصادر الشعر الجاهلی گوید: آنان واژه «مصحف» را بر کتاب جمع شده اطلاق می کردند و مرادشان از آن، مطلق کتاب بود، نه قرآن تنها. از جمله آنها... تا آخر خبر.

او سپس داستان «مصحف» خالد بن معدان را نیز، از کتاب مصاحف ابن ابی داود سجستانی آورده است [۸].

مصحف در اصطلاح امتهای گذشته و نامگذاری کتب دینی سابق به مصحف

ابن سعد در طبقات به سند خود از قول سهل مولای عتیبه روایت کند که گفته است: او فردی نصرانی و از مردم «مریس» بوده، یتیمی که در دامن پدر و عمویش پرورش یافته و انجیل را تلاوت می کرده است. گوید: من «مصحف»ی را از عمویم گرفته و آن را می خواندم که به ورقه ای ناشناخته، با نوشته ای غیر معمول رسیدم، با دست آن را لمس کرده، دیدم برگه های آن به هم چسبیده است.

آن را گشودم و دیدم صفات حضرت محمد(ص) بدین گونه در آن آمده است که: نه کوتاه و نه بلند، سفید روی پرموی دو رشته که میان دو کتف او مهر [نبوت] است. بخشش او زیاد بوده و صدقه را نمی پذیرد. بر حمار و شتر سوار می شود و گوسفند را با دست خود می دوشد و لباس پشمینه می پوشد، و هر که چنین کند از کبر دوری جسته است، و او این کار را می کند. از ذریه و نسل اسماعیل بوده و نامش احمد است. سهل گوید: بدین جا که رسیدم، عمویم سر رسید و چون آن ورقه را گشوده دید مرا کتک زد و گفت: تو را با گشودن این ورقه و خواندن آن چه کار؟ گفتم: در آن صفات احمد پیامبر(ص) است. گفت: او هنوز نیامده است [۹].

بدین گونه «مصحف» را اسمی عام برای نوشته های جلد شده یافتیم، و اگر آنچه در روایت مصاحف ابن ابی داود آمده صحت داشته باشد که، ابوبکر قرآن را «مصحف» نامیده است، این نامگذاری تا زمان خلافت عثمان شهرت نیافته بود و این موضوع از دو روایت پیشین که از صحیح بخاری آوردیم آشکار می گردد، و نامیدن قرآن به «مصحف» تنها بعد از آن دوران شهرت یافته، و در آن هنگام نیز، این نامگذاری منحصر به قرآن نبوده، بلکه در هر دو مکتب خلفا و اهل بیت(ع) کتابهای دیگری به این نام بوده است که یکی از آنها مصحف فاطمه(ع) دخت رسول خدا(ص) می باشد.

مصحف فاطمه (س) دخت رسول خدا

در روایات آمده است: «فاطمه(ع) دخت رسول خدا(ص) را کتابی بوده به نام مصحف که خبرهایی از غیب در آن درج شده بود.» در کتاب بصائر الدرجات با بیش از یک سند از قول امام صادق(ع) آمده است که آن حضرت در جواب کسانی که نزد او آمده و از آنچه رسول خدا(ص) برای علی(ع) و او برای حسن(ع) باقی گذارده، سؤال می کردند، فرمود:

رسول خدا(ص) چیزی را نزد ما باقی گذارده که همه آنچه بشر نیازمند آن است، حتی خسارت خراش ناخن نیز، در آن هست و فاطمه(ع) مصحفی باقی گذارده که قرآن نیست... تا آخر حدیث [۱۰].

بنابراین، دخت رسول خدا(ص) - چنانکه گذشت - کتابی به نام مصحف داشته است. همان گونه که نام کتاب خالد بن معدان نیز، مصحف بوده است، و امامان اهل بیت(ع) که این خبر را داده اند تصریح کرده اند که آن مصحف قرآن نبوده و چیزی از قرآن در آن نیست، بلکه اخبار حوادثی است که در آینده خواهد شد.

ولی با کمال تأسف، برخی از نویسندگان مکتب خلفا با افترا و تهمت گویند: مصحف فاطمه نزد پیروان مکتب اهل بیت، قرآنی دیگر است! در حالی که پیروان مکتب اهل بیت(ع) هرگز این سخن را درباره مصحف خالد نگفته اند.

مصاحف صحابه

اشاره

بسیاری از صحابه رسول خدا(ص) مصحف هایی داشتند که هر یک از آنان قرآن را همراه آنچه از رسول خدا(ص) در تفسیر برخی از آیات آن می شنیدند می نوشتند. بنابراین، معنای مصاحف صحابه در عصر خود آنان می شود «قرآن نوشته شده با حدیث

پیامبر در تفسیر برخی از آیات.» همان گونه که در تفاسیر روایی آمده و تفسیر دُر المنثور سیوطی، در مکتب خلفاء، و تفسیر برهان بحرانی در نزد پیروان مکتب اهل بیت (ع)، چنین اند.

نمونه هایی از مصاحف صحابه

مصحف ام المؤمنین عایشه

از ابی یونس خادم عایشه روایت کنند که گفت: عایشه به من فرمود تا مصحفی برای او بنویسم و گفت: «هرگاه به این آیه رسیدی: حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی مرا خبر کن. [گوید:] هنگامی که به آن آیه رسیدم آگاهش کردم و او چنین املا کرد: «حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی - و صلاه العصر - و قوموا لله قانتین» عایشه گفت: این را از رسول خدا (ص) شنیدم.

مصحف ام المؤمنین حفصه

از ابو رافع خادم حفصه روایت کنند که گفت:

حفصه از من خواست تا مصحفی بنویسم و گفت: هرگاه به این آیه رسیدی: حافظوا علی الصلوات... بیا تا آن را همان گونه که فرا گرفته ام بر تو املا کنم. [گوید:] به آیه که رسیدم گفت: بنویس: «حافظوا علی الصلوات الوسطی - و صلاه العصر-» بنابر آنچه گذشت، مصاحف در صدر اسلام، همانند کتابهای تفسیر در زمان ما، در بردارنده قرآن و بیان رسول خدا (ص) در تفسیر آیات آن بوده است.

پس از آن، سیاست خلفای بعد از پیامبر (ص) - به خاطر مسائلی - بر آن شد تا قرآن را از حدیث رسول خدا (ص) جدا کنند که شرح آن را بیان می داریم:

سیاست جداسازی قرآن از حدیث رسول خدا

برخی از آیات قرآن کریم در نکوهش بزرگان قریش و کسانی نازل شده که با رسول خدا (ص) می جنگیدند؛ و بخشی نیز، در نکوهش قبایل برخی صحابه قریشی، مانند آیه (۶۰) سوره اسراء که درباره بنی امیه یا افرادی از صحابه می فرماید: وَالشَّجَرَه الْمَلْعُونَه فِی الْقُرْآن. و آن درخت نفرین شده در قرآن.

یا این دو آیه سوره تحریم [۵ - ۴] که درباره ام المؤمنین عایشه و ام المؤمنین حفصه می فرماید:

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ؛

اگر شما دو زن به سوی خدا باز گردید که دل‌های شما منحرف گردیده، [به سود شماست] و اگر بر علیه او [پیامبر] متحد شوید بدانید که خدا خود یار و مددکار او بوده و جبرئیل و صالح مؤمنان و فرشتگان، بعد از آن، پشتیبان او خواهند بود.

و به دنبال آن می فرماید:

عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُدْلَهُ أَوْ جَاءَ خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَيَّابَاتٍ وَأَبْكَارًا؛

ای بسا که اگر شما را طلاق گوید، خداوند زنانی بهتر از شما را نصیب او گرداند، زنانی مسلمان و مؤمن، تسلیم و تائب و عابد و هجرت کننده، غیر دوشیزه و دوشیزه.

در برابر این آیات، آیات دیگری است که در مدح و ستایش دیگران نازل گردیده مانند آیه تطهیر در سوره احزاب [۳۳] که درباره رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) نازل گردیده و فرموده:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛

خداوند، تنها اراده کرده تا رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

بیان شأن نزول این آیات و غیر آنها، که در حدیث رسول خدا(ص) آمده، با سیاست خلفای سه گانه مخالف بود. بدین خاطر، شعار: «حسبنا کتاب الله» را اعلام کرده و قرآن را از «حدیث» رسول الله(ص)، بدین گونه جدا ساختند: ابتدا ابوبکر دستور داد نسخه ای از قرآن را جدای از «حدیث» رسول خدا(ص) بنویسند. این کار در زمان خلافت عمر پایان یافت. وی پس از آن، کار خود را در منع و جلوگیری از نشر حدیث پیامبر(ص) آغاز کرد. پس از وفات عمر که میان برخی از صحابه و تابعین با بنی امیه و خویشاوندان عثمان درگیری و دشمنی پدید آمد، دشمنان آنان شروع به روایت احادیث رسول خدا(ص) در نکوهش هیئت حاکمه خلافت کردند. به ویژه که هنوز مصاحف برخی از مخالفان با بیان رسول الله(ص) در اختیارشان بود و به احادیث آن استدلال می کردند. عثمان که چنین دید به پاخاست و به تثبیت و اجرای این شعار پرداخت که: «قرآن را از حدیث رسول خدا(ص) جدا کنید». پس از آن، نسخه جدای از حدیث پیامبر(ص) را از ام المؤمنین حفصه گرفته و از روی آن چند نسخه استنساخ و آنها را به شهرهای مسلمانان فرستاد و دیگر مصاحف صحابه را که صاحبانش، نص آیات را همراه با بیان و تفسیری که از رسول خدا(ص) شنیده بودند در دست داشتند، همه را جمع کرده و آتش زد. دیگر مسلمانان نیز، پس از آن واقعه، مصحف های خود را از روی این مصحف که از بیان رسول خدا(ص) خالی بود استنساخ کردند.

پس از آن، واژه «مُصْحَف» نامی شد علم برای قرآن مجرد و جدا از بیان رسول خدا(ص). مرور زمان نیز باعث شد تا مسلمانان دوره های بعد ندانند که در مصاحف صحابه، نص قرآنی با بیان تفسیری رسول خدا(ص) همراه بوده است. هنگامی که منصور خلیفه عباسی در سال ۱۴۳ هجری علمای مسلمان را به تدوین علوم برانگیخت، و متخصصان علوم قرآنی به نوشتن بیان و تفسیر آیات - همان گونه که در زمان رسول خدا(ص) بود - مبادرت کردند، مُصْحَفی که در آن، نص قرآنی با بیان تفسیری آیات همراه بود، تفسیر نامیده شد.

پاورقی

- [۱] مراجعه کنید: مفردات، راغب؛ لسان العرب، ابن منظور؛ المحکم، ابن سیده؛ الصحاح، جوهری؛ قاموس المحيط، فیروز آبادی، ماده صحف.
- [۲] مراجعه کنید: تاج العروس زبیدی؛ المعجم الوسیط، ماده دطف.
- [۳] صحیح بخاری، کتاب فضائل القرآن، باب جمع القرآن، ج ۳، ص ۱۵۰.
- [۴] کتاب المصاحف، عبدالله بن ابی داود سجستانی متوفای [۳۱۶ هجری]، تصحیح دکتر اثر جفری، چاپ اول، قاهره [۱۳۵۵ هجری]. روایات الف و ج در ص ۱۰ و روایت ب در ص ۹، آمده است.
- [۵] اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، چاپ تهران، ۱۳۸۸ هجری.
- [۶] المصاحف، ص ۱۳۵-۱۳۴؛ تاریخ دمشق، خطی، کتابخانه دمشق نسخه تصویری مجمع علمی اسلامی به شماره ۵، ۲، ۲۵۹ تهذیب الکمال، خطی، نسخه تصویری مجمع علمی اسلامی، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۱۹-۱۱۸.
- [۷] اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۳، ص ۶۳-۶۲، مصادر آن نیز در حاشیه شماره ۸ آمده است.
- [۸] مصادر الشعر الجاهلی، ص ۱۳۹، چاپ پنجم، به نقل از مصاحف سجستانی، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.
- [۹] طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۳۶۳، چاپ بیروت.
- [۱۰] بصائر الدرجات، ص ۱۵۶. مشروح روایت در کتاب معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۲۲ آمده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

